



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی  
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - جشن نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات -

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال چهارم - شماره ۱۰۲۷

صفحه ۲۲۷۵

شنبه ۶ شهریور ماه ۱۳۲۷

مدیر: سید محمد باشمی

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۰۹

روزنامه یومیه

## فهرست مندرجات

- ۱ - صورت مشروح مذاکرات نود و هفتمین جلسه دوره پانزدهم از صلیحه ۱ تا ۱۰
- ۲ - آگهی های رسمی ۱۱

# مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۹۶ -

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه سی ام - امرداد ماه ۱۳۲۷

## فهرست مطالب

- ۱ - دنباله بیانات آقای اسکندری در استیضاح از دولت
- ۲ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه .

مجلس ساعت ده و بیست دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید  
۱ - دنباله بیانات آقای اسکندری در استیضاح از دولت

رئیس - جلسه پیش بعنوان تنفس ختم شد.  
آقای اسکندری دنباله بیانات خودشان را ایراد کنند .

**عباس اسکندری** - مذاکراتی که در جلسه قبل بواسطه تنفس تعطیل شد با اجازه مقام ریاست ادامه میدهم قبل از اینکه شروع باصل موضوع بکنم یک مطلب خیلی لازم و مهمی بود که ضروری است آقایان نمایندگان بآن عطف توجه بکنند .  
تلگرافی است که اعلیحضرت همایونی از رم دستور فرمودند و مغایره شده است و این تلگراف بسیار اسباب امیدواری برای مردم کشور ایران است و شاید تنها نتیجه مسافرت یا بهترین نتیجه مسافرت باشد این تلگراف مفادش این است که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مایل نیستند هیچگونه تعمیلی بمردم بعنوان بستن طاق نصرت و غیره بشود البته قدغن خواهند فرمود در این امر مراقبت کامل بشود خوشبختانه این تلگراف همان روزی مغایره شده

است که بنده در اینجا بااطلاع آقایان نمایندگان رسانده ام که دولتها جز تعمیلی بمردم ندارند مطلب اینقدر روشن است که اعلیحضرت همایونی از رم تلگراف میکنند که بمردم تعمیل نکنید این عملی است که بر متصدیان امور و بر همه واضح و روشن است و خوشبختانه می بینیم شخص اول مملکت مادر یک محیط آزادی مثل اروپا که بر روی آن ویرانه هائی که در اثر بیدادگری و فشار و جنک ایجاد شده است در آنجا این فکر برای ایشان تجدید شده یعنی بعد از مدت طولانی که در یک محیط تملق و تزویر و ریاکاری که احاطه شده بودند از یک مشت مردمی که جز مناقع شخصی خودشان نمیدیدند در یک محیط آزاد رفتند در آنجا مثل همان ایامی که در سوئیس تعمیل میکردند میدیدند مردم چه جور زندگی میکنند ، بفکر مردم بدبخت این مملکت افتادند و بعد شنیدند که باز طاق نصرت و قضیه شهربانی و شهرداری و تعمیل بمردم

است تلگراف میکنند که بمردم تعمیل نکنید و بهمان اندازه که آن تلگراف خوبست وقتی که کسی تلگراف آقای نخست وزیر را می بیند تأسف میخورد از برای اینکه ایشان نوشته اند در این تلگراف که مردم باید کار خودشان را بکنند مقصود از مردم خودشانند ، مقصود از مردم شهربانی است یعنی بایستی بکنیم و جزء صورت حساب بگذاریم برای خدمتگزاری و خوش خدمتی !! در صورتیکه پادشاهی باین صریح دستور میدهد که بمردم تعمیل

نکنند از برای اینکه میداند که برای مدتی مسافرت رفته اند که چیز های مفید و تازه ای را به بینند البته یک خدمات مفیدی برای کشور انجام بدهند و امیدوارم انجام میدهند پادشاه باید بر قنوب مردم حکومت بکند ( صحیح است ) طاق نصرت و امثال اینها چیز های کوچکی است و در درجه هزارم است . بسیار اسباب امیدواری است که در این مراجعت طوری شود که باز متملقین و اطرافیان نتوانند رسوخ بکنند و مدتی مردم بتوانند آسودگی زیست بکنند و بنده هم مخصوصاً در این موقع بروگرامی که ما ورقه قیامان را داریم امیدواریم که با دست خود اعلیحضرت اجرا شود و الا امروز بر همه روشن است تنها شکلی که دولتها و پادشاهان میتوانند در کشور ها حکومت بکنند ،

بمهدی که قیصر بود خاکسار

شه روس را تن شده باره یار

فقط شکلی میشود حکومت کرد و وقتی میشود که

● همین مذاکرات مشروح نود و هشتمین جلسه از پانزدهمین دوره قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

بسر تاج گیتی خدائی نهند

ز نو تغمه پادشاهی نهند  
 که بر قلوب مردم حکومت بکنند و مردم آنها را  
 حفظ بکنند و حاجت به شهربانیها و ژاندارمها و  
 افراد نیست تمام ملت پادشاهی را که برای خاطر  
 مردم کار میکنند و زحمت میکشد نگهداری میکنند  
 هیچ حاجت بسرنیزه و غیره نیست ، مردم مزه هایشان  
 سرنیزه پادشاهی خواهد بود که برای مردم زحمت  
 میکنند و بنده امیدوار هستم بعد از این مذاکراتی  
 که ما میکنیم این آقایان کم و بیش شاید تحت یک  
 تأییداتی باشند و یک رأی مختصر نا قابل یا قابل آقای  
 نفست وزیر از مجلس بگیرند و بروند دنبال کارشان  
 و ادامه بدهند ولی من امیدوارم وقتی که اعلیحضرت  
 هایبونی تشریف آوردند من خودم این پرچم انقلاب  
 وواژگون کردن حکومت بوروکراسی را بدوش  
 شاه خواهم گذاشت شاه در جلو و ما و رفقایمان  
 در عقب سراو این اصول را با یک انقلاب ملی و تحول  
 در این مملکت درست میکنیم که مردم این کشور  
 بسامدشان برسند ( نمایندگان - اشاعه ) از بیرون  
 تا حالا بسیاری از مردم به بنده اظهار محبت کردند  
 و این تشویقا با تفنن ، با ملاقات یا کافه که مقدار  
 زیادی هست البته موجب تشویق بنده است البته  
 یک قسمت هم خود آقایان نمایندگان کم و بیش  
 فرمودند که تو مثل شاهر صحبت میکردی کفتم  
 خواهش میکنم که صله بنده را یک ورقه کعبود  
 لطف بفرماید ( خنده نمایندگان ) ولی مثل اینکه  
 بعضی ها جواب مطابق سؤال را نمیدانند . بلی آقای  
 تقی زاده هم در موقعی که تنفس داده شد تشریف  
 آوردند و گفتند که من جزه بنگاه حمایت زندانیان  
 هستم فرمودند تمام مطالبی را که گفتید صحیح است  
 و ضمناً بنده را هم مثل آن فرشته ای که در شب  
 است وعده کردند باینکه تمام گناهات بخشیده  
 شد یا قسمتی ( تقی زاده ) - اشتباه نشود  
 راجع به معسوسین است ( راجع به معسوسین است  
 بله حالا امیدوارم در قسمتهائی که میگویم بقیه اش  
 هم بخشیده شود و درست شود . تذکر میدهم مردم  
 باید از آقای دکتر محمد مصدق السلطنه و آقای سید  
 ابوالقاسم کاشانی از هر دو قدر دانی بکنند و تقدیر  
 بکنند که واقفاً خودشان را تا یک حدودی برای  
 آزادی مردم وقف کرده اند و مردمی که در خارج  
 هم آهنگی دارند تا این که اصول حکومت یلیسی  
 و حکومت خفیه نویسی بر انداخته شود همه آنها  
 را من تشویق میکنم که با من همفکری بکنند و با  
 یک اصول مرتب و منطقی باز موفق شویم که مردم  
 آسوده در منزلشان زندگی بکنند . بنده با این  
 رویه ای که پیش گرفته ام البته از حدود معمول  
 تجاوز کردم یعنی در حال طبیعی عادی نیستم یک جنبه  
 عاشقی هم پیدا کرده است بقول هفتی مرحوم میگوید  
 عاشقی را شرط تنها ناله و فریاد نیست  
 تا کسی از جان شیرین نگردد فرهاد نیست  
 تا نشد رسوای عالم کس نشد استاد عشق  
 نیم رسوا عاشق اندر حسن خود استاند نیست  
 گر که مشروطه است این اوضاع برگیر و بسند  
 هیچ آزادی طلب بر ضد استبداد نیست  
 ( اجسنت - اجسنت ) بنده در همان موقعی که این

صحبت را کردم شهربانی ما عملاً از طرف وزارت  
 جنک اشغال شد یعنی حکومت نظامی عملاً بدون  
 اعلامش در شهربانی متمسک است ۱۵ نفر افسر  
 نظامی هم بشهربانی انتقال داده شده اند که بهتر  
 بتوانند تشریک مساهی میکنند !! بنده در مجلس  
 شورای ملی مطالبی را که میگویم نه برای این است  
 که این رئیس الوزراه برود و یک رئیس الوزراه  
 دیگر بیاید این ها همه اش از باب فتل و تغفل  
 است ( خنده نمایندگان ) بنده میخواهم که یک  
 کارهائی بکنم که هم خود آقایان و بعد مرد پراحت  
 باشند در این مطالبی که من میگویم استفاده شخصی  
 بنده ندارم و همه آقایان میدانند ، من میخواهم  
 بگویم و از آقایان خواهش بکنم حتماً طرحی تهیه  
 بکنید شهربانی رئیس یک نفر آدم طرف اعتماد  
 و غیر نظامی باشد ( صحیح است - صحیح است ) ( مکی -  
 تهیه کرده ام ) البته رئیس شهربانی هم آدم خوبی  
 است در قشون یک کار دیگری با او گذار شود  
 یا در آذربایجان و گرگان برای فرماندهی در نظر  
 گرفته شوند ، شهربانی باید تابع وزارت کشور و  
 زندانها تابع وزارت دادگستری باشد مام مثل سایر  
 مردم و ممالک عالم صورت آدم پیدا بکنیم مشغول کار  
 خودمان بشویم و حتماً بایستی تشکیلات شهربانی سه  
 قسمت داشته باشد ، قسمت اداری ، قسمت یاسبان  
 متحدالشکل و قسمت آگاهی غیر از این سه قسمت  
 در شهربانی چیز دیگری نباید باشد زندان باید برود  
 بوزارت دادگستری ، اداره خفیه نویسی یعنی اداره  
 اذیت کردن مردم یعنی اداره پول بگیردی اینها باید  
 از بین برود در ایام گذشته دو نفر از اینها مأمور  
 من بودند یک نفر از آنها دو چرخه سوار بود ، یک نفر  
 هم در منزل من بود دو چرخه هرا که من میرفتم می آمد  
 بنده اغلب میرفتم بکلوب ایران بالاخره آنهائی  
 که در کلوب بودند به من اطلاع دادند که اینها با  
 شما می آیند ، بنده هم اینها را می شناختم گاهی هم که  
 من در منزل بودم در میزدند میگفتند حسین خان ،  
 محمد خان با شما کار دارند بنده اول خیال میکردم که  
 مقصود از ملاقات با موضوع زیارتی است به شهربانی  
 بعد میگفتم تشریف بیاورند و بخین هم اصرار میکردم  
 و میگفتم فرمایشی دارید میگفتند «از شما چه پنهان  
 بنده بیس تأمینات ، بیس سیاسی هستم میگفتم خوب  
 یعنی چه یعنی نمی فهمیدم چه میگوید بعد میگفت اقا  
 بنده پنجاه تومان پول لازم دارم قرض به بنده بدهید  
 ( خنده نمایندگان ) معلوم بود آن قرضی که آنساعت  
 میخواست نه ما میتوانستیم ندهیم و نه او بعد پس  
 میداد ( خنده نمایندگان ) و این معامله را با هم میگردد  
 تقصیر هم ندارند شما بوجه ای که برای این کار دارند  
 این بوجه قرض کنید ده هزار تومان ، بیست هزار  
 تومان ، صد هزار تومان است شما یک اشخاصی را  
 نگاه میدارید با ماهی صد تومان حقوق و کارشان این  
 است که مثلاً بهینند آقای گنابادی چه میکند ، آقای  
 گنابادی که کاری نمیکند می آید به مجلس و می رود  
 منزلش خوب اگر راست بگوید که میگویند تو بیکارهای  
 باید جمل کدی بگوید ایشان یکجائی مهمانی بودند  
 یا عده ای بهمانشان بودند این مطلب را هم  
 میگفتند بعد همی اسباب زحمت ایشان  
 یا نوهشان فراهم میشد این اداره قطعاً باید از بین  
 برود ، اگر لازم میدانند که یک اداره داشته باشند

نظر بکنیم و متأسفانه آقای بوین وزیر خارجه حزب  
 کارگر هم در نطق های مکرری که کردند گفتند  
 سیاست خارجی ما روی همان اصولی است که بودو  
 این تنها شکلی است که میخواهند . بیچوقت ایران  
 و انگلستان در کنار هم دور یک میز نباشند زیرا  
 غیر ممکن است مادامی که انگلستان تغییر سیاست  
 ندهد و دست از تجاوز خودش راجع بایران برندارد  
 ملت ایران با انزجار بکار های آنها نگاه میکنند  
 ( صحیح است ) و همیشه بدبین است ( صحیح است )  
 متأسفانه در این تأییدیه کارگری انگلستان این  
 موضوع باز هست و در این جا موضوع استیضاح از  
 آقای وزیر دادگستری بنا بر خواهش بعضیها باختصار  
 پرداختم و خانم دادم حالا این قسمت با آقای وزیر  
 خارجه است ( بیعت اسفندیاری - خدا رحم کند )  
 بنده خیلی آسوس میخورم آقای وزیر دادگستری  
 که آقا خودشان مثل اینکه میدانند من درست گفتم  
 و یک قدری هم قصور شده است شما میدانید که  
 بنده با شما بیچوقت تماس نداختم که نظر خاصی  
 داشته باشم ، نه ، خلیج فارس یکی از مناطقی است  
 که در مدت دو هزار و پانصد سال همیشه در خاور  
 میانه و مرکز تمدن قدیم در درجه اول اهمیت است ،  
 حکومتهائی که در خلیج فارس استیلا داشته اند آنها  
 حاکم و کیددار مقدرات خاور میانه در قرون قدیمه  
 که در طی تاریخ هست بوده اند و از ۱۷۴۷ در  
 حدود دویست سال پیش که کمیانی هند در هندوستان  
 مستقر شد انگلستان قائم مقام و وارث پرتغالیها در  
 کناره خلیج فارس شد و البته از ضعف دولتهای  
 مام کم و بیش استفاده کردند . در هشتاد سال پیش  
 بر خلاف بعضی نوشته های آنها که موجود است و  
 قراردادهائی که داشته اند تعرض کردند و در بحری  
 قشون پیاده کردند و بعنوان جلوگیری از برده  
 فروشی آنها را اشغال کردند ، دولت ایران بوسیله  
 وزیر مختاری که داشته است و مرسله ای که بخط  
 ناصرالدین شاه است اعتراض میکند و بوزیر مختار  
 ایران که شیخ محسن خان مشیر الدوله بوده است  
 دستور میدهد که با لرد کلارندون ملاقات بکند و  
 حضور ملکه انگلستان شرفیاب شود و بملکه  
 و بکتوریا بگوید شما تمهید کردید که در آبهای  
 خلیج فارس برای جلوگیری از برده فروشی ، ما  
 بشما اجازه بدهیم و در خشکی قوا پیاده نکنید و  
 حالا رفته اید در بحرین متعرض شده اید و آنها را  
 اشغال کرده اید جواب کتبی لرد کلارندون موجود  
 است که میگوید ما اگر اینکار را کردیم برای این  
 بود که جلوگیری از برده فروشی بشود و تا از  
 طهران قوائی برسد ما میدانیم که جلوگیری از این  
 کار نخواهد شد و این مخالف انسانیت است ، آنها  
 مردم را میبرند ، اسیر میکنند و هر موقع هم که  
 قوای ایران آمد اینجا ما اینجا را تخلیه میکنیم  
 بعدها یک قرارداد دیگری حسام السلطنه والی فارس  
 با مستر ویلیام بیرون منعقد کرده است که کشتی به  
 ایران بدهند که خودشان بروند اقدامات در خلیج  
 فارس بکنند البته بواسطه قدرت انگلستان وضعف  
 ایران در این قسمت توفیقی حاصل نشد و کسی هم  
 نرفت ولی همیشه شیوخی که آنها بودند این شیوخی  
 ضمن مراسلاتی که موجود است به حکومت طهران  
 مراجعه میکردند و از اینجا هم فرمان برایشان  
 صادر میشد و پنج هزار تومان در سال شیخ بحری

برای مغارچش میگرفت و ماهی سی تومان هم خصماً  
 بخودش میدادند اینجریان همینطور ادامه داشته است  
 تا موقتیکه در ۱۹۲۷ انگلستان یک قراردادی با  
 حجاز منعقد میکنند در آنجا در ماده ۶ قرارداد  
 اشاره میکنند که نفوذ ما را هم در بحرین بشناسد  
 مداخله در امور بحرین را دولت ایران اعتراض کرده  
 است بجامه ملل رفته و هیچگونه سندی برخلاف  
 حق حاکمیت ایران در هیچ دوسیه ای موجود نیست  
 و امروز که دنیا به از این جنگها باینصورت در آمده  
 که مجمع ملل متحد از یکطرف عنوان آزاد بخوای  
 و آزادی ملل نکسطام همه است نه تنها حق حاکمیت  
 ایران را در آنجا ملحوظ نکردند قراردادی با دولت  
 آزاد بخوای و متفق بشر امریکا ۱۱ و ممالک متحده  
 امریکای شمالی ، منعقد کردند راجع بخلیج فارس  
 منطقه نفوذی درست کرده است در خلیج فارس و  
 این قرارداد چهار ماده و در ضمیمه دارد من استناد  
 بروزنامه نیویورک هرا لند «تربون یا دیلی اسکچ»  
 یا دیلی تلگراف یا تربون دناسیون نمیکند من  
 استناد میکنم بترجمه ای که روزنامه ایران ما از  
 روزنامه تربون دناسیون کرد و مدیر این روزنامه  
 معاون سیاسی آقای نخست وزیر است و اعلام میکنند  
 که اینجا را تقسیم کرده اند ، منطقه نفوذ درست  
 کرده اند و اینهم مواد آنست و بعداً هم دیدیم که  
 آقای نخست وزیر همینطور سرشان را انداختند  
 روی مراسلات و از زیر هینک نگاه کردند یک کلمه  
 هم بمجلس نیامند اعلام بکنند که چنین قراردادی  
 را ملت ایران قبول ندارد و معترض است بر آن و نه  
 اعلامیه ای صادر کردند یعنی یک سکوت ضمنی که  
 بیچوقت این گناه از طرف این دولت بخشیدنی نیست  
 ( صحیح است ) مشیر الدوله وزیر خارجه بود وقتی که  
 قرارداد ۱۹۰۷ را در روال دولت روس و انگلیس  
 منعقد کردند آن قرارداد هم مثل این قرارداد  
 شامل قسمتهائی از آسیا بود از جمله ایران و معروف  
 است بقرارداد ۱۹۰۷ کافش اینجا حاضر است  
 اعتراض میکند بدولت روس و انگلیس قبل از اینکه  
 این مرسله را هم بفرستد بآن دوسفارتخانه ، بهمه  
 سفارتخانهها فرستاد که دولت ایران بوهبت الهی  
 دارای استقلال کامل سیاسی و اقتصادی است و هرگاه  
 دو دولت یا چند دولتی راجع بایران یا قسمتی از  
 ایران قراردادی منعقد میکنند بیچوقت قوه قانونی  
 ندارد و ما معترضیم ( اردلان - اجسنت ، خدارحمش  
 بکنند ) همان روزی که ترجمه قسمتی از این قرارداد  
 در روزنامه ایران ما منتشر شد اگر یک روزنامه  
 عادی بود من اهمیتی نمیدادم چون میگویم روزنامهها  
 گاهی یک چیزهائی مینویسند روزنامه ای بود که  
 معاون سیاسی نخست وزیر آنرا اداره میکند آقای  
 نخست وزیر یک کلمه راجع بآن نگفتند آقای وزیر  
 خارجه هم توجه نکردند ( وزیر خارجه - چه را )  
 خوب سر کار روزنامه را نخواندید بنده چه بگویم  
 ممکن است روزنامهها را ملاحظه بفرمائید حالا بنده  
 میخوانم ، روزنامه تربون دناسیون نیست مفادش  
 هست و روزنامه های دیگر هم هست اینجا مینویسد  
 که : همه میدانند استفاده ای که قمللا دولت امریکا  
 از قبل دول خاور میانه میکند بدون توجه باینکه  
 در آینده در اثر افزایش استخراج یا تحصیل منابع  
 جدید این استفاده زیادتر خواهد شد از این فرار است

۱ - منابع نفت عربستان سعودی ۱۳ میلیون  
 تن چاههای نفت بحرین شش میلیون تن از مجموع  
 نفت کویت پنجاه درصد و از مجموع نفت عراق ۲۳  
 درصد و از مجموع نفت جنوب ایران بیست درصد  
 این استفاده های که دولت امریکا از نفت جنوب ایران  
 میکند بر طبق قرار دادی است که قبلاً بین امریکا  
 و انگلستان بسته شده که امریکاییها بیست درصد از  
 نفت جنوب ایران را بقتضی که توابه میشود از شرکت  
 نفت انگلیس و ایران خریداری نمایند و همه از این  
 قرارداد اطلاع دارند ولی اخیراً خبری از روزنامه  
 تربون دناسیون چاپ یاریس منتشر شده که برای ما  
 خیلی تولید حیرت کرده و حیرت مزبور ناشر از این  
 است که روزنامه تربون دناسیون روزنامه ای نیست  
 که روی فرض و گمان چیزی بنویسد و اگر هم روی  
 فرض و گمان چیزی بنویسد لحن مطلب نشان میدهد  
 که جزو اخبار و اطلاعات رسمی و قابل اعتماد نباشد  
 این روزنامه میگوید که دولت امریکا از دولت انگلیس  
 درخواست کرده که ۵۰ درصد از تولیدات نفت  
 جنوب را باو بدهد و دولت انگلستان بدو حاضر  
 نشد که درخواست دولت امریکا را اجابت نماید و  
 گفت که نمی تواند بیش از بیست درصد در قرارداد  
 سابق ذکر شده چیزی بدولت امریکا بدهد ولی  
 دولت امریکا اصرار کرد و بالاخره دولت انگلستان  
 میخواست باین طریق رضایت خاطر دولت امریکا را  
 جلب نماید که مالکیت جزیره بحرین را بدولت امریکا  
 واگذار نماید و در عوض دولت امریکا درخواست  
 جدیدی راجع بفت جنوب ایران نداشته باشد روزنامه  
 تربون دناسیون در پایان بحث خود میگوید که بالاخره  
 دولت امریکا راه حل را پذیرفته و از دعوی خود  
 راجع بفت جنوب ایران صرف نظر کرده است باین  
 که خبر فوق از روزنامه تربون دناسیون نوشته شده  
 و طرز تدوین این مطلب طوری است که نشان بدهد روزنامه  
 مزبور خبر بالاراه جزو اخبار رسمی و واقعی میداند  
 معذک مانمی توانیم آنرا بسهولت باور بکنیم همین  
 روزنامه میگوید که دولت انگلستان که حاضر شده  
 مالکیت ارضی جزیره بحرین را بدولت امریکا  
 واگذار کند بدولت امریکا قول داد که نفوذ خود را  
 بکار خواهد برد که کایتیه سابق ایران ( کایتیه حکیمی )  
 در صدد برنماید که اقدامی برای بازگشت بحرین  
 بایران بکنند و ما این خبر را نیز بسهولت باور نمیکیم  
 ولی خبری که برای ما تولید تشویش کرده این است  
 که قسمت اول این خبرها بدون تردید صحت دارد  
 این معنی که دولت امریکا اخیراً از دولت انگلستان  
 تقاضا کرده که در قرار داد سال ۱۹۴۶ میلادی که  
 بر طبق آن شرکت نفت جنوب ایران باید بیست  
 درصد از محصولات خود را بامریکا بدهد تجدید نظر  
 نماید و شرکت نفت چهل و پنج و اینکه پنجاه درصد  
 از محصولات خود را بامریکا تسلیم نماید و دولت  
 انگلستان گفته بود که نمی تواند چنین پیشنهادی را  
 بپذیرد برای اینکه اگر چهل و پنج و یا پنجاه درصد  
 از محصولات شرکت نفت جنوب ایران را بامریکا  
 بدهند امریکا عملاً کنترل منابع نفت جنوب ایران  
 را بدست خواهند گرفت در نتیجه ای که امریکا این  
 درخواست را از انگلستان میکرد هنگامی بود که  
 بعضی از روزنامه های بزرگ انگلیسی زبان به فح  
 و تنقید امریکا گشوده بودند و حتی روزنامه دقیق

ومحافظة كار تاينز ۰۰ وبالاخره در آخر مينويسد موافقت شد و باينصورت انجام شد

**وزير خارجه -** چه تأييد دارد

**اسكندري** ... ميبايتي شما بعد از انتشار اين خبر اعلامه‌اي صادر ميكرديد .

**وزير خارجه -** ... روي خبر روزنامه اعلاميه صادر نميشود .

**رئيس -** آقاي وزير امور خارجه بعد از تشريف مياوريد جواب ميدهيد .

**اسكندري -** شما رسم سياست دنيا را خوب ميدانيد آقاي نوري اسفندياري اول يك مرتبه مي نويسند بعد دومتريه مي نويسند نوي چهار پنج روزنامه مي نويسند و شما هم سكوت ميكنيد بعد اين سكوتها ميشود سابقه شما بلا فاصله بايد اعلاميه ميداديد و در يك روزنامه مي نوشتند شما در کدام روزنامه نوشتيد در مجلس بيك وكيل اكثريتتان ميگفتيد همانطور كه در تمام دنيا وكيل اكثريت ميگفت و در تمام دنيا اينطور است و مياميد بحرف ميزديد در مجلس با اين سكوت شما من ميخواهم كه بگويم سوه نيت داريد ولي من با اينطور حكومت هم اطمينان ندارم از براي اينكه ما مي بينيم كه روي همين چيزها هست كه اين همه عمل هاي بد حاصل ميشود اين موضوع كوچكي نيست ، قرار دادى كه بسته اند در ماده دومش موضوع فرود گاههاي بحرين است ( نخست وزير - كدام قرارداد ) قرار داد موجود است ، وجود دارد و شما ها نميخواهم بگويم يك يكتان كمك ميكنيد ( اردلان - خواب اند آقا ) كاشكي خواب بودند بيدار هستند و مي بينند

**اردلان -** خواب هستند

**همين -** بگوئيد كه كي خواب است

**اردلان -** بنده باشما عرضي ندارم

**همين -** بنده هم باشما عرضي ندارم

**اردلان -** دولت خواب است بنده عرض خواهم كرد .

**رئيس -** آقاي اردلان - اجازه بدهيد صحبت كنند نظم مجلس را رعايت كنيد

**اسكندري -** ... بهرحال دولت اين كار را نكرد و من بنام ملت ايران از پشت اين كرسی خطابه بدولت انگلستان و ممالك متحده امريكاي شمالي تذكره ميدهم كه اينگونه قراردادهاي يك قسمتي ايران با نام ايران بي اثر است ( صحیح است ) و بهيج سورتی برای کسی حقی اثبات نميكنند ( صحیح است ) خليج فارس حتى هيچ قسم كشتي جنگي حق ندارد از آنجا عبور بكنند ( صحیح است ) حق ندارند در آب هاي ايران بيايند . دولت هاي ما مردم خوش باور و خوش نيت ما خيال ميكنند كه مجمع ملل متحدي است در يكجا و هر كسي كه يك كار خلافي كرد فوراً يقه اش را ميگيرند . ما بهترين نمونه دو موضوع زنده داريم يكي موضوع فلسطين است ما مي بينيم كه اصلا مجسمي كه تشكيل شده بود براي آزادي و آسايش ملل و حفظ حقوق ملل ، سه تا دولت گفتند ما بزرگ هستيم يعني ما قيمت ديگران هستيم بعد يك روزي ما ديديم كه يك خط گذاشتند بين سر زمين فلسطين يكي شد منطقه يهودي و يكي منطقه عرب كسي باينها اجازه داده بود كه سرزميني را تقسيم كنند ؟

چه حقی داشتند اين كار را بكنند ؟ ؛ ميخواهم به بينم ما ميديديم كه از ۳ هزار و هشتاد سال قبل سليمان در اينجا حكومت داشته است اگر اينطور بود وسابقه رعايت ميشود كه در چهارصد سال قبل سرخ پوستها حكومت مي كردند در امريكا اگر اينطور است اينها بايد بپرند از آمريكا و آمريكا را تحويل سرخ پوستها بدهند ( صحیح است ) اين چه حرفي است آقا اعراب و يهود در طی ۱۴۰۰ سال بعد از تصرف بيت المقدس از طرف مسلمين تا اين دقيقه باهم در امن و آسايش و آرامش زندگي مي كردند بعد آمدند يك خطي بينشان گذاشتند و امروز صحیح است كه انگلستان نشان ميدهد كه مخالف اين تقسيم فلسطين است ، اينطور نيست اين تقسيم و تجزيه پايه اش از جنگ قبل بوسيله بالفور گذاشته شد و كتابش هم موجود است و او فلسطين را كانون يهود كرد و تمام زد و خورد ها از آنجا شروع شد و حالا براي نظريات سياسي كاز موضوعات ما خارج است يا كنار كشيدند تمام اين فضاها اين اشتباهاتي است كه دول بزرگ ميكنند خودشان وسايرين را بخاك و خون ميكنند بدانند براي آنها هم نتيجه اي نخواهد بخشيد . الان مملكتي كه بهترين پايتخت هاي دنيا را داشته آنجا الان عقب نان ميگردند اين نتيجه آن كج فكري است ديگران بايد عبرت بگيرند انگلستان و امريكا هم بايد بدانند كه نبايد بفكر سوء استفاده از دولتهاي ضعيف باشند خليج فارس اسمش معلوم است اينجا متعلق بايران است قسمت شاليش تماش آبهاي ايران است و قسمت جنوبش تنها معلق كه در حقيقت بندر گاه است بحرين است در آنجا هر قسم عملي ميكنند من با آنها ميگويم كه اگر ايران زور ندارد ولي شماها بخاك و خون كشيده خواهيد شد براي همين عمل خلاف ما مستقيماً نمي توانيم عملي بكنيم اما ما يقول گوئيم بزرگ اگر نمي برود برنده آنر اتيز ميكنيم اين حرفها كدام است شامي خواهيد مملكت ما را برداريد بيريده تقسيم كنيد غير ممكن است ما نخواهيم گذاشت خليج فارس مال ايران است ( صحیح است - صحیح است ) و هر قسمت از ايران ، يك وجب از خاك ايران هر كس هر دولتي اهم از اتحاد جماهير شوروي ، انگلستان ، امريكا قوی هستند ولي ما نخواهيم گذاشت ( نمايندگان - صحیح است ) وطن پرستي اگر چيز خوبی نبود همين ممالك راقبه كه امروز حكومت جهان را بدست گرفته اند اينها براي هر ذره خاك خود اينقدر تلفات نمي دهند همين اتحاد جماهير شوروي براي حفظ خاك خودش قدم بدم كشته داد و جلوي آلمان استاد همين انگلستان اين كار را كرد امريكايان كار را كرداگر خوب است ما هم مي خواهيم وطن خودمان را حفظ كنيم اگر بد است اينها چرا اينقدر ايستادگي كردند ولي سياست جهانگيري اين ممالك آن خيوط و خطاطي كه ايشان را بسراشيب مياندازد و در زير سيل دفن ميكنند در دماغ و كانون دماغهاي اينها موجود است و اين افعال نتيجه اوست من هيچ داخل خصوصيات اشخاص اين ممالك نمي شوم اينها وطن پرستانه هستند كه براي کشور خودشان زد و خورد مي كنند همه اينها را من تعجب ميكنم آن انگليسي كه براي مملكت خودش

زحمت مي كشد و سه ماه مي رود پروري يك فار در اقيانوس هند نه آب است و نه غذا هست بران او بوسيله كشتي ميرند و مي دهند من آن انگليسي را تعجب مي كنم اينكار را براي مملكت خودش مي كند اما من متفردم از آن دولتي كه مي خواهيد بكشور ما تجاوز بكنند و مي خواهيد ما را دچار صدمه و محنت بكنند و بدبختي براي ما ايجاد بكنند بالاخره متوجه خودتان است و الا اشخاص بزرگي افراد انگليسيهائي كه در خاور ميانه آمده اند مثلا اين سروان انگليسي اكلتل لورنس و عبدالله فليبي كه الان هم هست در حجاز است مسلمان هم شده است و غيبي هم خوب است و كلوب پاشا كه جانشين لورنس است در ماوراء اردن اينها بمملكت خودشان خدمت مي كنند كسي كه در ۶۰ درجه عرض شمالي بايد زندگي بكنند پاي برهنه در هريستان در صحراي عربستان آنجا زندگي ميكنند آن رنگ سفيد و درخشنده را مي بيند كاملا سوخته شده براي خدمت بمملكتش اين را بايد تعجب كرد و من هم اينها را تعجب ميكنم بنده كتابهاي مختلفی را در بدهم و واقف عمليات اين ها شگفت آور است اما در عين حال نسبت به تمام اينها كه قصد تجاوز بايران را دارند اگر خودم دست داشته باشم اينها را ميكنم ، مجمع ملل متحده كنك طعام هر دولتي است اين برنامه تقاصاي هزاره هم كه اضافه ميكنند اين جمله را كه ما وفادار بان هستيم آقا - نكراش پاشا رئيس الوزراء مصر با الستماس و دعاي ملت مصر زيرت بنابين مجمع ملل متحده كه آقا انگلستان بما زور ميگويد ميخواهد سودان را از ما مجزي كند سودان جزه لايتجزاي مصر است سرچشمه نيل است اگر كس ديگري آنجا دست داشت مصر از گرسنگي خواهد مرد از بين خواهد رفت و يك صحراي خشك خواهد شد همان جوايي را به نكراش پاشا مجمع ملل متحده داد كه لانسيتك وزير خارجه امريكا در جنگ قبل داد جنگ قبل وقتي تمام شد سعد زغلول رئيس الوزراء مصر بود يك افسر انگليسي كه آنجا فرمانده قوا بود او را كشتند قاتل اقرار كرد كه من از روي تعصب وطني او را كشتيم و حاضر مجازات من را به بينم و دستگير شد . دولت انگليسي اين دولتي كه طرفدار آزادي و استقلال ملل كوچك است يك اولتيماتوم داد بدولت مصر در ضمن ماده سمد - زغلول بايستي از كار برود و يك ميليون ليره بايد بدهيد سودان هم بايد دست ما باشد و دو ماده ديگر مصريها فراد كردند به همين لانسيتك وزير خارجه امريكا مخابره و تلگراف كردند جواب داد كه ما بانگلستان مراجعه كرديم بما جواب دادند كه اين از كار هاي خودمان است ، بنا بر اين نمي توانيم دخالت كنيم در همين باو هم مجمع ملل متفق با اين عرض و طول و يولهايي كه ملل كوچك بيچاره ميدهند بتوان عضويت و مثل اين ماريونت ها هروسك هاي « خيمه شب باري » بنده ميشوند كه راي بدهند بيايه نشينند گفته شد شما خودتان برويد با انگلستان حل كنيد ما كاري نداريم پس شما چه كار ميكنيد گفته شد كه ما در مصر دخالت نميكنيم بنظر استخاره كرده بودند بد آمدن بدولتهايي كه فقط و فقط براي اينكه بغواهند روي صندلي به نشينند و يك چيزهائي را همين طور محفوظ براي اينكه گفته باشند ما

وفادار هستيم به مجمع ملل متحده اينها بسيار خوب است كه يك بارلمان جهاني باشد و از تمام ملل جهان در آن نماينده باشد و آنجا جمع بشوند در حل و عقد امور دنيا واقفان قضاوت كنند و حل بكنند و عمل بكنند اما اگر قرار شده كه ما فقط آنجا باشيم كه دولتي ميخواهد يك راي بيشتر داشته باشد ويول هم بدهيم آخر دست هم كه شد بگوئيم ما بكار شما كاري نداريم بدرد نمي خورد من بشما ميگويم موضوع در اين مجمع ملل متحده ها از دو امر خارج بيست يا منافع دول بزرگ ايجاب ميكنند يك قضيه اي را شما بخواهيد يا نخواهيد آنها ميخواهند و خواهد شد يك وقت است كه منافع آنها ايجاب نميكنند و طومار زندگي و آزادي يك ملتي در هم بيچيده ميشود همچسك هم متوجه نيست اين همان وضع است كه از چهارصد سال پيش ، سيمد سال پيش ، درست سال پيش همينطور جاري است و حتى زندگي براي ملل ضعيف قائل نيستند بايد قوی شد در هفتصد سال قبل گوئيمه ايراني گفته است :

بروقوي شو اگر راحت جهان طلبي  
 كه در نظام طبيعت ضعيف امانال است  
 هيچ چاره اي ندارد ما اگر قوي نمي توانيم بشويم حرف كه مي توانيم بزيم بچه مناسب برويم يول بدهيم بعد يك روزي هم بيايند و بگويند ما حكومت كرديم و صلاح اينطور است مقتضي اين طور است وضعت خليج فارس ما اهميتش بر مراتب از بناز هاي سفر و دارد انل و ارتقاها كالي يولي خيلي بيشتر است از براي اين كه او فاصله است بين بحر اسود و بحر اژه و ميترانه در صورتيكه اينجا ارتباط با اقيانوس است زماني كه اينجا عظمت و آقائي را در دست داشت آنجا اصلا وجود نداشت بعد ما هم كه ساينكه حاكم آنجا بودند اينجا را در درجه اول ميدانستند ما مي بينيم منافشان كافتضا مي كند ۶۰۰ - ۷۰۰ - ۷۰۰ ميليون دلار ميدهند از براي اين كه آنجا رانگه دارند بعلت بعرضه كي دولتهاي ما خليج فارس ما را ميگويند قبول نداريم اين نتيجه بي هر ضكي دولتهاي ما است كه از هر چيزي دستي ميگيرند و خليج فارس را ميبرند بد ديگران دستي ميدهند ( صحیح است ) بنده از آقايان خيلي هذر خواهي مي كنم اگر يك قدرتي بطول مي انجامد اينها يك مطالبتي است كه كفي حد ذاته اهميت دارد و من يقين دارم كه تمام آقايان نمايندگان و جامه ملت ايران معتقدند كه اين مطالب بايد گفته بشود و در روي اينها اقدام بشود ، بايد بيكره واحده ايران را بتمام معنی حفظ كرد ( صحیح است ) اينها يك موضوع شخصي نيست نه خصوصي با آقاي هزير است نه با آقايان وزراي ايشا بنده از اين مرحله گذشته باقاي نوري اسفندياري ارادت دارم ولي بعقيده بنده هر اينجا تا فرصت فوت نشده بايد روي اين قسمت حتماً اقدام عمل بشود بايستي اعتراض بشود دولت ايران يا بايد صريحاً تكذيب كنند يا از مجمع ملل متحده بيرون بيايد آنجا نشسته است براي چه ؟ آنجا نشسته است سرش را بپرند آنجا نشسته است تقسيمش بكنند ( نمايندگان - صحیح است ) ما يول براي چه ميدهيم ؟ يول براي اين ميدهيم كه هر وقت مطلبي را برديم آنجا فوراً قضاوت بكنند نه اينكه يك تكه ايران را بردارند بپرند بنده نوشته جاني چايي از اداره مطبوعات انگلستان دارم كه خودشان تصديق ميكنند كه وقتي كه ما مي بينيم منافعمان اقتصادي

ميكند آن كاري را كه لازم مي بينم مي كنيم ما هم با آنها ايرادي نداريم ولي تا آنجا كه مي توانيم نبايد بگناريم آنها آن كار بد را بكنند اكرا ما حاكيت خودمان را برخليج فارس مستقر كرديم هيچ اشكال ندارد . ضعف نفس دولت ها است كه تصور ميكنند اهميت دارد امروز بهترين موقعيت دنيا است كه شما ميرويد هر كس بغواهد خلاف بكنند او را طردش ميكنند از براي اينكه اختلافي كه بين ممالك است ايجاب ميكنند كه شما تجاوز نكنند ، تجاوز اينها روي حكومت شما است چرا راجع به تر كيه تجاوز نميكنند چرا اينقدر باو ارفاق ميكنند ، چرا هفتصد ميليون دلار ميدهند باز هم سيمد ميليون ديگر ميدهند ، چرا اين جا فرود گاه ميسازند بعد حق حاكيت و منطقه نفوذ شمالي و جنوبي در خليج فارس مستقر ميكنند بايستي واقفان رفت بقرستان امامزاده صالح آنجا سر قمبرشير الدوله و يك دعائي كرد و از آن مرده تقاضا كرد كه يك كمسي بكنند چون زنده ها كه نمي بينيم چكار ميكنند موضوع ديگري كه مورد استيضاح بنده بود اينجا از نظر اينكه با آقاي وزير خارجه ارادتي دارم کوتاه آمدم ، موضوع ديگر موضوع نفت جنوب است اگر بخاطر آقايان محترم باشد در جلسه اي كه كابينه آقاي قوام السلطنه بود بنده مخالف حكومت بودم در جواب مطالبتي كه بنده عرض كردم آقاي هزير فرمودند كه نميدانم چرا آقاي عباس اسكندري دواز نفت پيدا كردند هر چه ميگويند نفت است من مي خواهم عرض كنم كه در دنيا غير از نفت چيزي وجود ندارد اگر آدم دوازي پيدا ميكنند بهتر نيست كه دواز نفت پيدا بكنند بعد ديديم آن اعتراضي كه بمن كردند خودشان هم مثل اينكه باين دواز مبتلا شدند حكومت ايشان آقا حكومت نفت است تشكيلات حكومتشان هم آقا تشكيلات نفت است حالا چطور من تجزيه و تحليل ميكنم كابينه ايشان را آقاي هزير هستند آقاي دكتر شادمان ، معاون كيسر ۱۵ ساله نفت ، آقاي هزير هستند در وزارت دارائي و آقاي جلال شادمان برادر آقاي دكتر شادمان ، آقاي هزير هستند و آقاي جمال امامي برادر آقاي نظام امامي كيسير نفت ايران در انگلستان . آقاي هزير هستند و آقاي دكتر اقبال معاون كيسير نفت لندن برادر ايشان آقاي اعلم الملك هستند وزير بهداري پدر زن آقاي منتصر رئيس كمياني نفت جنوب ( خنده نمايندگان ) حالا بنده ميگويم كه بنده دواز نفت دارم يا آقا دواز نفت دارند ( خنده نمايندگان ) ( دكتر معظي - آقاي اعلم الملك مرد شريفی هستند ) بنده باقاي اعلم الملك خودم ارادت دارم بنده ناخوش بودم و شايد اگر ايشان نبودند بنده اسباب تصديق آقاي هزير هم نميشدم و ايشان خيلي به بنده كمك كردند من وقتي ايشان را آوردم وزير كردند بخود آقاي اعلم الملك گفتم آقا واقفان آن مرضائي كه شما آن را معامله ميكرديد حالا ديگر نمي توانيد رسيدگي بكنيد و خدا كند دعاي آنها مستجاب بشود و برويد بسر كار تان از براي اينكه اينجا كاري نمي توانيد انجام بدهيد يك عده مردم هم زير دست و پا ميبرند ايشان گفته بنده هفته اي دو مرتبه انجا هستم گفته سيم هفته اي پنج مرتبه كسر داريد بعد فكر كردم كابينه حساب بندي نكرده ولي بهتر بود كه خود آقاي منتصر را مياوردند در كابينه رئيس

كمياني نفت جنوب هستند و داماد آقاي اعلم الملك ...

**رئيس -** آقاي اسكندري از موضوع استيضاح خارج نشويد .

**اسكندري -** ... تغير داخل استيضاح است بعد از تذكراتي كه بنده از اول اين مجلس راجع به نفت كردم تا وقتي كه هستم تا وقتي كه زنده هستم تنها چيزي كه براي اين مملكت مي بينم همين نفت است ( دكتر معظي - آقاي اسكندري راجع به آقاي اعلم الملك فرموديد ايشان مرد شريفی هستند و مورد احترام هستند ) ايشان اصلا داخل اين بحث نيستند ملت ايران هشتصد ميليون تومان ماليات ميرد از دواز و من خيال ميكنم بسيار از حوصله اين مردم اين ماليات زيادي است نمي توانند بدهند اين مردم خوراك ندارند يوشاك ندارند در اين پايتخت و سواد اعظم مملكت مي بينيد مردم برهنه اند در دور ترين نقاط هيچ ندارند شايد يك لنگ يا چيزي آنهام باره ياره براي ستره هورت و از اين مردم ۸۰۰ ميليون تومان ماليات ميگيرند تصديق بكنيد كه بيش از اين نميشود گرفت و اين همه حواشي كه اين مملكت دارد اين يول آن حواشي را انجام نميدهند تنها مجاي كه ما بايد استفاده بكنيم نفت جنوب است . نفت جنوب البته دولت انگليس احتياج دارد باين ماده قيمتي سيامه در ياداري انگليس كارخانه ات انگليس استفاده از اين ميكنند باساني نخواهند گذاشت ما اين نفت را بكي ديگر بفرويم اما ما حاجت بيول داريم دو موضوع در اينجا است كه من مكرر گفتم و امروز ديگر داخل آن بحث نميخواهم بشوم يعني اصولاً قرارداد نفت جنوب بعقيده بنده قوه قانوني ندارد و من اميدواري كه دارم با هم واحداً و حوصله رجال ، رجال وطن پرست فقيده ما اين قرارداد كه منطقه خارج المملكتي براي ما دارد اين قرارداد لغو بشود ولي انگلستان نفت را ببرد از ما و ما هم نفت جنوب را بدبگري نميدهيم اما بچه قيمت ببرد بچيمتي ببرد كه لا اقل عربستان سموي با ريكا ميدهد بچيمتي كه متجاوزانه امريكايي ها به شيوخ بحرين ميدهند در صورتيكه مال ايران است ( صحیح است ) كمتري قيمتي را كه شما تصور ميكنيد بسا داده اند در صورتيكه آن قيمت اگر بسا داده شود ما ميتوانيم بيشتر از اين بار براي دوش اين ملت ضعيف درست نكنيم و شايد يك قسمت از ماليات را برداريم و بتوانيم بهمران و آبادي کشور خودمان بپردازيم در اين موضوع آنچه لازم بوده است بدفات عهده بنده اينجا گفتم صحبت امروز غير از اوست صحبت امروز من راجع بعلمي است كطلي همين قرارداد دارند ميكنند و همين قرارداد را اجرا نميكنند و مطابق همين عمل خلافي كه ميكنند ما ميتوانيم قرارداد را لغو كنيم در اين قرارداد در ماده يازدهم مي نويسد كه براي مدت سي سال كمياني نفت جنوب بايد ( خيلي دقت بكنيد ) بنده كلمات را يوش ميگويم كه آقايان درست بفهمند مي نويسد در مدت سي سال كمياني نفت جنوب از پرداخت هر گونه مالياتي در ايران چه حالا و چه بعد اگر در ايران وضع شود معاف است در برابر يك چيز خيلي كوچكي كه در حدود ۲۵۰ هزار ليره باشد بايران بدهند در سال گذشته كمياني نفت جنوب ۳۱ ميليون ليره هايدى داشته و دولت انگليس بابت بيت نو صد سهام ايران چهارده ميليون ليره ماليات گرفته حالا

ممنی کمیانی نفت جنوب یعنی چه؟ یعنی دولت انگلیس که مالک هفتاد و سه درصد سهام است سابقاً پنجاه و یک درصد بود و حالا هفتاد و سه درصد است بیست در صدش مال ما است بقیه اش مال آنها است هفت در صدش متفرقه است دولت انگلیس آمده دو تا حساب باز کرده يك حساب مالیاتی که چهارده میلیون لیره از منافع شرکت نفت مالیات برداشته گذاشته است بحساب عایدی خودش هر دو مال خودش است چرا این کار را کرده برای اینکه سهمی که ما داریم چهار میلیون یا پنج میلیون یا شش میلیون لیره که میشود این را نپردازد خوب نیخواهم داخل این بحث بشوم ما هم میتوانستیم در این قرارداد باندازه يك کمیانی يك کلمه گذاشته باشیم ه انطور که او میخواهد دولت ایران متعهد میشود که در مدت سی سال مالیات از حالا و بعد نگیرد ما هم میگذاشتیم و کمیانی نفت جنوب متعهد میشود که مالیاتی بیست درصد سهام دولت ایران تعلق نگیرد و اگر مسکری حساب کمیانی نفت جنوب باشد نتیجه عمل این شده است که سی و یک میلیون عایدی نفت جنوب است و چهارده میلیون لیره این را با سهم مالیات بر میدارند که از بابت بیست درصد سهام ایران تمامش يك میلیون و خورده ای شده و حال آنکه با بیستی پنج میلیون و کسری ما میدادند حال چهار میلیون لیره اینجا بنا تجاوز شده و کلاه ایران برداشته شده ، هیچ صحبتی ، هیچ بیانی برای مملکت ایران مفیدتر و مهمتر از این نیست در یکسال چهارده میلیون لیره برداشته اند و بعد نیست اگر شما سکوت کردید سال دیگر میگویند که صدی صد مالیات خواهیم گرفت چون کمیانی نفت جنوب یعنی دولت انگلیس بیست درصد را بماند بعد اما پولش را از اینجا بر میدارد میگذازد آنجا در این موضوع آنچه نسبت بگذشته است که اصولاً بنده اعتراض را داشته ام و ایرادی هم ندارم بدون اینکه بخوام نظر بنی داشته باشم میگویم بهتر این بود که اگر ما تخصصی هم نداشتیم همین اندازه میتوانستیم که همان سطر را که سر جان کدمن نوشته که دولت ایران متعهد میشود از کمیانی نفت جنوب مالیات نگیرد تا ۳۰ سال ما هم می توانستیم بنویسیم مقابل دولت ایران از بابت این سهام نفت جنوب از بابت مالیات چیزی ندهد و آن بحساب خود کمیانی است - لیکن این کار نشده ولی خوشبختانه کمیانی نفت جنوب حق ندارد طبق همین قرارداد هم این پول را بردارد چرا ؟ اولاً این نفت در ایران استخراج میشود و ما نسبت بکمیانی نفت جنوب تعهدی نکرده ایم که مرکزش در لندن باشد که سهام را بپردازد در لندن و سهامش آنجا باشد که مشمول مالیات هم بشود مرکز کمیانی در آبادان است و بنا بر این مرکزش در ایران است (صحیح است - صحیح است) و من انتظار دارم که باتفاق مجلس شورای ملی صحیح است بگوید (نماینده گان باتفاق صحیح است - صحیح است) مرکز کمیانی - ایران است این قرارداد حاضر است اینجا در این قرارداد اگر شما پیدا کردید که نوشته باشد مرکز کمیانی نفت جنوب در لندن است ، مرکز در ایران است و ما هم در ایران مالیات نمیگیریم آنوقت در لندن از سهام ما مالیات بگیرند ... نباید بگیرند

از سهام ما چرا باید مالیات بگیرند ؟ این يك موضوعی است که فعلاً چهار میلیون لیره است ولی بعد ممکن است بیست میلیون لیره بشود در چند سال دیگر بسته با استخراج نفت است دولت ایران طبق همین قرارداد مالک بیست درصد کلیه سهام نفت جنوب است و این هیچ ربطی به حق الامتياز ندارد (برزین - مطابق قانون مدنی هم مرکز در ایران است) بله ، این صریح قانون است در اینجا هم غیر از این ننوشته است . دولت ایران باید بلا فاصله بعد از این قضیه اخطار میکرده دولتهای سابق هم حل قدر مراتب مسئولند باید بگویند که آفا طبق همین قرارداد شما با بیستی بیست درصد سهام را در مرکز شرکت که آبادان است بعد از اینکه منافع خاصه را بر میدارید بدهید شما از اینجا این پول را انتقال میدهند بلکن این چند نفری که باید اینجا بنشینند آنجا می نشینند بعد میگویند ما چهارده میلیون لیره یعنی صدی پنجاه با سهم مالیات از این پول بر میداریم شما کی هستید ؟ از يك کمیانی که بر نمیدارید ، دولت انگلیس از این جیبش بر میدارد و آن جیبش میگذازد . ضمناً پول ما هم میگذازد در آن جیبش این صحیح نیست (صحیح است - احسن) این قرارداد اصولاً قوه قانونی ندارد از برای اینکه شما خوب دقت بکنید فرض کنید میروید يك اتومبیلی را بکار می آورید می خواهید برویتم اصفهان یا میگویند پنجاه تومان صد تومان میدهم و بزور او را مجبور میکنند که همراه شما بیاید قم آنجا که رسیدید موقع نهار است میگویند آقا جان بیایید با ما نهار بخوریم اما قیمت اتومبیل همان است که گفتیم بعد عصر است با او گردش میروید و باز میگویند که آن قرارداد بر برگرد ندارد در همه جای این قرارداد پشت سر هم بنویسد اما این را نمیشود بهم زد یکدفعه شما قرار دادی با هم بسته اید اگر درست است و غیر فاحشی ندارد چرا می اصرار میکنید که این قرارداد را نمیشود بهم زد ماده ۲۱ ماده ۲۰ ماده ۲۶ اصرار میکنید که هیچ صورت و بهیچوجه و بهیچ طور و در هیچ جا این قرارداد را نمیشود انو کرد يك قراردادی بسته اند اگر شما میخواهید که سهام این مردم را برداشته باشید چه اصراری دارید که می تکرار میکنید ماده ۲۱ ماده ۲۰ ماده ۲۶ چیست و این تکرارها چه معنی دارد ماده ۱۰ آن قرارداد تکلیف نمائید دولت ایران را در شرکت نفت معلوم میکنند بصاحب ۲۰ درصد سهام حق رأی نداده است در صورتیکه صاحب يك در صد و دودر صد حق دارد که در جلسات عمومی حضور بهم رساند و اظهار نظر کند ولی صاحب بیست درصد را میگوید فقط نمائید دولت شاهنشاهی حق دارد که حضور داشته باشد فرض کنید اگر حضور نداشت چه میشد نه حق حرف دارد نه رأی او مدخلیت دارد فقط اگر در هزار لیره ای که بخواهند برای معصلین بدهند ریاست عالی آن بنا نمائید دولت در نفت جنوب است مملکتی که خود صاحب نفت است هیچ حق مداخله در هیچ کاری نباید داشته باشد ما صاحب ۲۰ درصد سهام هستیم این خودش دلیل غلط بودن این قرارداد است بکنین حقی را از صاحبان سهامی اصلانیشود سلب کرد عملی را که از حیث مبلغ کرده اند برای بسهم خودش روشن بشود جلو نظر تان در ۱۹۲۹ و در

۱۹۴۱ کمیانی نفت جنوب در حدود هشت میلیون تن نفت استخراج کرده و بدولت ایران داده است چهار میلیون و پانصد هزار لیره در این حدود یعنی از نصف بیشتر در ۱۹۴۷ - ۱۹۴۸ میلیون تن استخراج کرده بدولت ایران رسیده شش میلیون باقری ۸۰۰ میلیون لیره یعنی نك وباین حساب اگر جلو برود می شما بر میگردد بوقت دیندی که پنجاه میلیون تن رسید یکجیز می هم باید دستی بآنها بدهید اینها را بصورت مالیات دولتی از حق شما کسر میکنند ما صاحب نفت هستیم ، مالیات نمیگیریم آنها نفت ما را میبرند و از مالیات میگیرند دیگر بهتر از این نمیشود جناب آقای وزیر میدانند در اینجا بنده يك خورده ای نگران هستم طرز تشکیلاتی که در وزارت دارائی اخیراً داده اند بنده را بیشتر نگران کرد سابق بر این يك ترتیبی داشت اداره نفت رئیس اداره نفت مطالب را باستحضار مدیر کل وزارت دارائی میرساند مدیر کل اینها را گزارش میکند برای معاون وزارت دارائی معاون وزارت دارائی هم اینها را بر عرض وزیر میرساند وزیر اینها را پیشنهاد میکند به هیئت وزراء و بناظر نخست وزیر اینها تصویب میشود و به موقع اجرا گذارده میشود ولی حالا موضوع تغییر کرده رئیس اداره نفت را کرده اند مدیر کل مستقل و وزارت دارائی هیچگونه نظری ندارد مطلب شده بین الاتینی مدیر کل و نخست وزیر که وزیر دارائی هم هست و این اسباب نگرانی است من خیال میکنم اینطور تشکیلات مخصوصاً در این موضوع بخصوص مخصوصاً در موضوعی که يك کسی بن گفت آقا شما چرا اینقدر راجع بنفت صحبت میکنید شما از قدرت کمیانی نفت جنوب مستحضر هستید مگر نمی فهمید نفت جنوب یعنی چه؟ نمی فهمید که بزرگترین قدرتی که کمتر از است در انگلستان در نفت جنوب است در آبادی انگلستان سرویس خفیه تمام در نفت جنوب است شما چرا اینقدر راجع بنفت جنوب این حرفها را میزنید بر اینتان اسباب زحمت می شود مگر شما تصور میکنید که باین زود بها و باین آسانی حاضر میشوند بیاورند لیره را بدهند يك میلیون لیره چقدر میشود ؟ میشود بیست و پنج میلیون تومان اگر به صد نفر بخواهند بدهند نفری ۲۵۰ هزار تومان میرسد میفهمید تازه تمام اینها میشود يك میلیون شما چکار میکنید گفتیم این حرفها را که شما میزنید اولاً بنده مردم مملکت خودمان را نمائید کان مجلس خودمان را خیلی مستغنی تر از این میدانم که بتواند آنها را تحت نفوذ قرار بدهند و با وسیله سوء استفاده بشوند و گفتیم بنا بر فرض اگر دیدیم تحت تأثیر قرار گرفته اند چرا حرقم را از نم ؟ بنده عرض میکنم من اطلاع دارم (کاتس) را خواستید و مذاکرات شروع شده ، این مذاکراتی که هست با بیستی با آن سلسله مراتبی که بود در وزارت خانه میگردد که اینطور چیز معرمانه ای پیش آمدن کنند بنده اطلاع دارم مذاکراتی که میشود باین نتیجه می خواهد برسد که فرض کنید تصفیه خانه ای را که در ایران میسازند اولاً بگویند که می خواهیم در انگلستان بسازیم بعد يك متنی برمان بگذارند و بگویند در ایران میسازیم اینها کافی نیست طبق همین قرارداد عایدی ما در حدود چهارده میلیون و پانزده میلیون لیره است و دولتهای ما هر کدامشان بسهم خودشان کوتاهی کردند و من باین عملی که

الان می شود وسکوئی که الان هست با این که اقدامات قبلی شده بود و همانطور که گفتیم دو دفعه هم بنده اینجای آقای وزیر بارک الله گفتیم وقتی که آمدند گفتند اقدامات قبلی را من کرده ام باین سکوت می بینم درست در نمی آید نتیجه عمل را من خیال میکنم که برای ملت ایران خوب نمی شود و بعد موقع خوب و فرصت مناسبی از دست ایران خواهد رفت بدون معطلی شما با بیستی بین جواب بدهید و بعرض نمایندگان برسانید که راجع باین چهارده میلیون لیره مالیات چه کرده اید چهارده میلیون لیره مالیات را از سی و يك میلیون لیره نسر گرفته اند از ما گرفته اند ما که در این قرارداد مرکز شرکت را در لیسن قرار نداده ایم - شما اگر این موضوع را اقدام کرده اید بفرمائید و اگر اقدام نکرده اید مسئولیتی دارید که دیوان کشور میدانند و شما این قرار داد چرا قوه قانونی ندارد و اگر هم داشته داشته است يك قرار دادهائی طبق سند صحیح که الان من بشما ارائه میدهم از قوه قانونی افتاده متأسفانه دولت ما وزارت خارجه مادر فکر نیست بنده اینجا این سندی را بآقایان ارائه میدهم که دولت ما باستناد آن می تواند بلا فاصله حشش را بدست بیاورد و باین خرابکاریها خانه بدهد بنده میخواستم برای کسانی که داشتم و حالا هم امروز یکقدری حس می کنم اذیت میکنند مسافرت بکنم - مراسم ای از انگلستان برای من رسیده يك ایرانی یا یکی يك ایرانی آبرومند واقفاً معلوم است ما یاره ای افراد باک و صالحی در خارج داریم ولی ماورین ما اطلاعاتشان فقط چیز هائی است که وزارت امور خارجه از اینجا خلاصه جراید را داخل و خارج برای آنها میفرستد و بعد از یازده روز بیست روز با آنها میرسد آنها هم يك چیزهائی میفرستند آقای بوین وزیر خارجه انگلیس در مجلس معونان انگلستان مورد استیضاح واقع می شود همینطور که آقایان شده اند (خنده حضار) و کیلی که از او سؤال میکنند مستر بیکتون است - مستر بیکتون از او سؤال میکنند که آفا شما چطور سکوت میکنید اقداماتی را که دولت برمه ، برمانی که اخیراً من نقل شده ، تمام مؤسسات و کارخانجات را ضبط کرده است - شما همینطور نگاه میکنید انگلیسی هستید ؟ میگویند دولت برمانی اعلام کرده تمام کارخانجات خود را قسمت نفت و غیره و املی میکنند ما نمی توانیم در امور داخلی آنها دخالت میکنیم فقط با آنها مراجعه کردیم گفتیم که خسارت ما را بدهند این نطق بوین حاضر است و این هم ترجمه اش است که میگویند پس از مراجعه به صحبت بوین راجع بدموکراتیک و سوسیالیزم از وزیر امور خارجه سؤال کرد آیا وزیر خارجه اطلاع دارند که دولت برمانی میخواهد اصول سوسیالیزم را رواج بدهند در این صورت کارخانجات و شرکتهای انگلیسی با آن قسمی که انگلیسها در آنجا سهام دارند چه خواهد شد مستر بوین بلافاصله جواب داد که آنها کاملاً تصریح کرده اند که میخواهند کارخانجات را ملی بکنند و با پرداخت خسارت صاحبان سهام موافقت کردند در تمام بیانات خود این موضوع را همیشه گفته اند و سیاستی را که تعقیب نموده اند اعلام کرده اند ولی در موضوع پرداخت خسارت اخیراً چنین مستفاد شده است که میخواهند آنرا هم تغییر بدهند یعنی

خسارت را هم ندهند ، من خیال میکنم که این مجلس هیچوقت نخواهد خواست که با دولت برمانی وارد مبارزه شود و طبق مقررات منشور ملل متفق مواد خام در هر کشور متعلق بآن کشور است این همان مجمع ملل متحد است که میگوید از این نسبت شما باید استفاده کنید و در صورتی که او خسارت ما را مطابق با اصول بطریق صحیح و عادلانه بپردازد ما حق مداخله در امور کشوری دیگری نداریم آقایان نمایندگان آیا ما باندازه برمانی که دو سال است مستقل شده و تمام مؤسسات و کارخانجات انگلیس را رسماً توقیف کرده و گرفته است حق نداریم باستناد همین نطق وزیر امور خارجه این چیزی که سندن رقیب ماست و يك موضوع خارج المملکتی است ، این موضوع را خانه بدهیم ، مواد خام هر مملکتی اول مال خودش است ما در این مملکت هشتاد میلیون صد میلیون حق الامتياز میگیریم و در سال سیصد تا چهار صد میلیون تومان فقط پول ملت بدبخت را میدهم نفت میخریم این هیچ معنی ندارد... بنده مطالب خودم را خلاصه میکنم در موضوع نفت فوراً مجلس باید تصمیم بگیرد از این نطق بوین استفاده کند یقین دارم که مجسمه این نمایندگان را در قرون آینده می سازند این مجلس میتواند این حق را که چندین صد میلیون تومان در سال میشود امروز برای خودش و ملت ایران ذخیره کند و این مالیات را از دوش ملت بدبخت بر دارد باستناد نطق وزیر خارجه انگلیس و اعلام و تصریحش که ما فقط می توانیم خساراتمان را پس بگیریم دولت باید امروز صنعت نفت را ملی اعلام بکند و خودش استخراج را بدست بگیرد البته بعد از این کار نفت را بانگلیس بفروشد بقیمت عادلانه ای که در خلیج مکزیک هست طوری نفت را اداره بکنند که در یاداری آنها و کارخانجات آنها دچار زحمت نشوند تمام اینکارها را بکنند ولی ما بیول خود احتیاج داریم و باید بگویم این دولت اگر نکرد با آن مخالفم و دولت بعد هم که میآید اگر چنین بود مخالفم و بالاخره بشما بگویم ما این کار را خواهیم کرد و اگر خواستند آنها استفاده از قوه و زور خودشان بکنند من میگویم آن اندازه قدرت دارم که به کارگران نفت جنوب بگویم که آنها را روی هم بگویند آقا آنها از منابع ما استفاده نکنند و پیش از این حق ما را بزنند و این را برای دم آخر گذاشته ام و خواهم کرد و ملت ایران و خدا شاهد این قضیه است که ما باید حق خودمان را بگیریم و خواهیم گرفت من بدولت انگلیس نصیحت میکنم بی تردید در این موضوع تجدید نظر بکنند موقع همانطور که برای آنها مشکل است برای ما هم مشکل است مردم نان ندارند ، زندگی ندارند ، خوراک ندارند پوشاک ندارند استطاعت پرداخت این مالیاتها را ندارند و معذک این مالیات نمیتواند تشکیلات ما را اداره بکند بیایند بخودشان بسا هر دو کمک کنند و این دولت از این تاریخ که این سند را بنده اعلام میکنم باستناد این نطقی که وزیر خارجه انگلیس کرده و راجع به برمانی اینطور عمل میکنند مسلم است يك ملت مستغنی که از قدیم استقلال داشته و جزو مجمع ملل متحد هم هست بطریق اولی باید این حق را داشته باشد و باید بلافاصله صنعت نفت

را ملی اعلام بکنند و بگویند بکمیانی نفت جنوب نماینده خودتان را بفرستید خسارات شما را بازدید میکنیم و مطابق مقررات میدهیم اداره نفت را هم نکه میداریم ، آنها هم مطمئن باشند که نفت را بآن شکلی که امروز میبرند خواهند برد ما بیولش احتیاج داریم و منطقه خارج المملکتی را از طرف هر مملکتی و بهر صورتی که باشد قبول نداریم (نماینده گان - صحیح است) آقایان بغاظر دارند وقتی لایحه تسلیحات در این مجلس میگذاشت بنده مخالفت کرده و در ضمن صحبت گفتیم که این لایحه مالی که ما داریم میگذرانیم يك دقت بیشتری لازم دارد کمیسیون بودجه و مجلس شورای ملی میگوید مخارج حمل و نقل را هم دولت ایران میدهد خودش این باید معلوم شود این مخارج چقدر است و مثل زدم ، حکایت عرب و شتر را گفتیم که يك عربی ناخوش شد و شتر را از او خوب شد شترش را بيك دینار بفروشد - وقتیکه خوب شد چون از مالیه دنا همین يك شتر را داشت زنش گفت حالا چکار میکنی ؟ گفت يك کاری میکنم گربه ای را بگردن شتر بست و گفت این شتر يك دینار و این گربه بیست دینار و هر دو را با هم بفروشم یکنی آمد دید گفت این خیلی خوب چیزی است اگر این گربه بگردنش نیبورد - آمدند گفتند ما بقیمت ده میلیون دلار يك مقدار اسلحه را میفروشیم حالا این اسلحه چه بود کسی که ندیده بود - مخارج حمل و نقل داشت بنده گفتیم خواهش میکنم که این مخارج حمل و نقل را تعیین بکنید که چیست ؟ .. یکی از وزرای کابینه بلند شد گفت در حدود دو صد هزار دلار گفت تقریباً چیست یکدفعه بگوئید و مبلغ قطعی آنرا تعیین کنید ، برای شما که اشکالی ندارد يك تلگرافی بکنید بواشنگتن و بخواهید که چقدر مخارج آنست برای حمل بخلیج فارس و بنتر خرمشهر هر جا تعویب میکند و حالا میگویند برای بسته بندی و حمل و نقل شانزده میلیون دلار منظور شده ؛ ؛ ملاحظه بفرمائید ده میلیون دلار اصل شانزده میلیون دلار برای بسته بندی !! همچو چیزی میشود در دنیا ؟ .. آقایان چشم تان را باز کنید لوايح مالی را شما چطور سربسته رأی میدهید ؟ .. ملاحظه کنید شانزده میلیون دلار برای حمل و نقل میشود متجاوز از يكصد میلیون تومان حالا خدا پدرشان را بیامزد که نگذاشتند چهل میلیون دلار او را میگذاشتند چه میکردید ؟ .. به مقصود این است که وقتی بنده يك هرا بیضی میکنم قدری بیشتر دقت بفرمائید من نظری ندارم میگویم اولاً يك مجلسی اصلاً نمیتواند بدون آن دقت لازمه و رسیدگی دقیق بلاجه مالی رأی بدهد شما رأی میدهید که حمل و نقل هم بدهند ما مقصود از این حمل و نقل چیست ؟ مبلغش چیست ؟ اصلش ده میلیون ، مخارج حمل و نقل شانزده میلیون ؛ .. (امامی اهری - آقای اسکندری آن موقع صحبت شد که حمل و نقل بدهد آنها باشد) خیر آقا ، با قساط از ما میگیرند (باتفاق تلویح - ارزش آن اجناس شتاد میلیون دلار است) کمال تأسف را دارم که يك نماینده ای اینطور حرف بزند آقای باتفاق تلویح بگذارید خود دولت امریکا از این موضوع دفاع بکند رقیبوس - آقای باتفاق تلویح حرف نزنید . عباس اسکندری - اینجا مجلس ایرانست...

موضوع استباض بنده خلاصه شده است در این چند مطلبی که بعضی آقایان نمایندگان میرسانم

۱ - موضوع نقض قوانین و عدم امنیت بی نظری که این دولت نسبت به خودش سهم بسزائی در مدت حکومت کوتاه خود داشته است شنبدم يك کسی از طرف آقای وزیر ، نه اینکه از طرف ایشان با بنده صحبت کرد میگفت ایشان گفته اند که منکه کسی را نکشته ام (نخست وزیر - هیچ همچو چیزی نیست) خوب حالا اگر شما گفته اید نمایانم (نخست وزیر - بنده همچو حرفی نزده ام) آنکه دوسه دارد در عدلیه (نخست وزیر - بنده اطلاع ندارم) شما چطور اطلاع ندارید این يك مطلب مسلمی است که دوسه اش در عدلیه است .

**نخست وزیر - بیش من مسام نیست !!**

**عباس اسکندری** - بهر حال جواباً گفتم که اینها مثل بود برای اینکه حکومت پلیسی را که شما برقرار کرده اید بآن نتیجه میرسد بنده نگفتم که آنچه که شده است شما کرده اید بنده گفتم شما سهم بیشتری امروز در این امر دارید شما بی يك عمارتی را میریزید و بعد در زیر خرابه های آن ممکن است هم خودتان وهم مردم را دفع کنید بنده تقاضا دارم که مجلس شورای ملی کمیسیون تحقیقی از هر شبه ای بکنفر یادونفر تعیین بکند و اینها بروند در شهر بانی ، زندانها را بازدید بکنند مجوسین بلا تکلیف را بلافاصله آزاد بکنند و وزارت دادگستری مکلف باید باشد که اصولاً زندان تحت نظر او است و هیچکس را نبرند پشت يك در آهنینی بدون حکم محکمه (نمایندگان - صحیح است) در قسمت دوم مجلس شورای ملی بالاتفاق قطعنامه ای باید صادر بکنند که هیچ قسم عملی که مخالف حاکمیت ایران است و هیچ قسم قراردادی که بین دو دولت یا چند دولت نسبت بیک قسم یا تمام ایران امضاء شده باشد اعتبار ندارد و مورد تفر و بغض تمام ملت ایران است (نمایندگان با اتفاق - صحیح است صحیح است) از ناحیه هر دولتی که باشد دولت ایران باید بلافاصله به مجمع ملل متحد بدولت امریکا وانگلیس اعتراض بکند و جواب صریح از آنها بگیرد که چنین اقدامی نشده است و اگر گفته شد که شده یا سکوت کردند بلافاصله باید باقی مدت مراسم دولت فرستاده شود

باید نماینده ایران مجمع ملل متحد را ترک کند (نمایندگان - صحیح است) باید عمل کرد اینها کاریست که مجلس شورای ملی باید بکند و باید تمام مردم بیبینه که دوره یا نزد هم این کار را کرد و بدانند چون سه دوره اول نمایندگان منافع کشور را حفظ کردند باید نشان بدهند که نماینده واقعی ملت ایران و حافظ منافع مردم باشند (صحیح است) در قسمت سوم باید قطعنامه ای صادر شود و همان عملی را که دولت انگلیس الان در بیرمانی میکند که تمام صنایع و کارخانجات را دولت در دست گرفته و صاحبان آن تمام ، فقط خسارات را میگیرند همین عمل را که دولت انگلیس خودش قبول کرده در راجع به بیرمانی باید راجع بفت جنوب هم بشود (صحیح است)

این عمل هم بهترین سندی است که امروز در دست ما است موقش می گذرد اگر تا یکماه دیگر این کار را نکنند بنده نمیتوانم چیز دیگری بگویم و لنتی پیدا نمیکم جز اینکه بگویم این خیانت

ملت ایران است آری لنت دیگری ندارم که بگویم امروز سه فرصت خوبی برای ایران هست نطق وزیر خارجه انگلیس هست که میگویی ما در امور داخلی کشورها دخالت نمی کنیم ، و بیرمانی حق داشته است که يك صنعت یا صنایع خودش را ملی بکند و دست خودش بگیرد ، ما هم آقا حق داریم که صنایع خودمان را در دست بگیریم و هر خسارتی که آنها مطالبه کنند مورد بررسی قرار میدهیم و ضمناً هم تأکید میکنیم که همیشه ملت ایران با ملت انگلیس حسن روابط داشته است ما باهم قدم بقدیم خواهیم رفت و همچو بچگونه تیرگی در آسمان مودت بین دولت و دولت وجود نخواهد داشت این سه موضوعی است که من خیال میکنم اگر قطعنامه هائی قبلاً صادر شود خوب است و اکثریت مجلس هر رأیی بدولت بدهد از نظر من اهمیت ندارد ولی اگر قبل از صدور این قطعنامه هائی که مع میگویم اگر شما های رأی بدولت آقای وزیر بدهید اینجا تصدیق کرده اید آن شرط را (مهمه نمایندگان)

**رحیمیهان** - شما که میدانید با آقای وزیر رأی میدهند این چه حرفی است میزندان این شرط شما هم خائنه است این شرط چیست که میگویی اگر رأی دادند به وزیر آن شرط درست نیست رأی دادن به وزیر مسئله علیحدگی است و آن هم مسئله دیگری است هیچ ارتباطی بهم ندارد آن شرط چه زومی دارد آن شرط چیست؟ من نمیفهم .

**عباس اسکندری** - ... عصبانی نشوید آقای رحیمیهان .

**امامی اهری** - حق با آقای رحیمیهان است **عباس اسکندری** - آقایان توجه بفرمائید آنچه که بنده میگویم در تند نویسی مجلس نوشته میشود آنچه هم که آقایان رأی میدهند اوراق سفید و کبود شما در آنجا حفظ میشود بدمم اعلام میشود تاریخ آینده هم بهترین شاهد و گواه است که کی درست گفت و کی درست نگفت بنده شما میگویم که قراردادی بین انگلیس و امریکا راجع به منطقه نفوذ خلیج فارس بسته شده است شما ایندولتی که اینجا هست اگر عملی کرده است بلند شود آن عمل خودش را بگوید این يك تصویب ضمنی غلطی است که مجلس میکند .

**دهقان** - نیست این طور آقا (مهمه نمایندگان)

**دهقان** - شما میخواهید از این اظهارات خودتان اتخاذ سند بکنید بر علیه ملت ایران ؟

**عباس اسکندری** - شما نیفهمید آقا دهقان که ملت این حرفها نمیشود

**دهقان** - آقا شما میفهمید چکار میکنید شما جاسوسی و خیانت میکنید (زنك رئیس) عجیب است که ما می نشینیم و این حرفها را گوش میدهیم **عباس اسکندری** - شما میدانید که یک میلیون لیره برای نفت جنوب اعتبار گذاشته اند

**دهقان** - شما داده اند **رئیس** - آقای دهقان بنشینید ساکت باشید **عباس اسکندری** - من میفهمم و من میدانم چه میگویم اکثریت مجلس باید فراکسیون

میفهمند آتش دارند میشوند که این حرفهائی که من میزنم منفعت دارد یا مال شما بنده را بکشید و سرم را ببرید همان طور که گفتم اینجا هم ببرند و این تخته تریبون بگویند اهمیت ندارد ولی یک روزی بالاخره روز حساب است آن روز باید رسیدگی شود و معلوم میشود که من بدهام و چه گفته ام من شما میگویم که سند موجودی دارم که حقوق مقصوبه شما را بدست میآورد و حقوق ملت ایران را پس خواهد گرفت و شایقه در محبت بادوست پیش رفته اید که دشمن خوب شد این خیالی خوبست بدستور بزرگان خودتان عمل میکنید که میگوید .

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز يك گوهرند شما از اینجا هم بای تان را جلوتر گذاشته و میگوید که در محبت با دوست دشمن خوبشیم ، بسیار بسیار خوب است شما این دوستی را آقای دهقان ادامه بدهید خداوند شما را محفوظ بدارد و هدایت کند در موقعی که جناب آقای نخست وزیر برنامه خودشان را اینجا بیان کردند در خاتمه يك اشاره ای بابو عبدالله شقی شد کسی هم اینجا صحبتی نکرد شاید با اطلاع نداشتند و یا فرصتی نشد بنده لازم میدانم باین موضوع دقت بشود که يك رئیس الوزرائی وقتی که بیانی میکند در مجلس این بیان او اهمیتی دارد بپسود که نمیشود این حرفها را زدیبات اواز نظر داخل و خارج مورد استفاده و استناد قرار بگیرد ابو عبدالله شقی آخرین سلالة خاندان بنی امیه بود که در اسپانیا حکومت می کرد (فرامرزی - آقا خیلی دور بود آن بنی احمر بود این بنی امیه بود آن قرشی است عرب است) (دهقان - آقا سواد ندارد چرا مشتشان را باز میکنید) این خاندان قریب شش صد سال در اسپانیا حکومت میکردند بالاخره بدست خاندان کاستل (فردیپانده وایزابل منقرض شدند این شخص وقتی گرفت اسپانیا راترک بکنند در کنار مدیترانه ایستاده بود منتظر کشتی بادی بود که بیاید او را ببرد بخاک افریقا آن طرف هم جزو مستملکاتی بود که اعراب داشتند بیساط سلطنت از دست رفته اش گریه میکرد مادرش باو تعرض کرد و گفت تو که نتوانستی چون مردان سلطنت بکنی و حالا چون زنان گریه میکنی و کاری را که زنها انجام داده و میدهند هم از عهده برنمایی از جمله اخیر اشاره بایزابل دوکاستیل بود ولی مقصود آقای نخست وزیر را نفهمید چیست ؟ واز این مثل چه نتیجه منظور بود و مشارالیه که بود و اشاره به ابو عبدالله شقی و ذکرش اینجا برای چه بود ؟ بنده میخواستم که ایشان بپوشن برای استحضار آقایان نمایندگان این بیاناتشان را توضیح بفرمائید که مقصود چه بوده ابو عبدالله اشاره بکست در کشوری که مردانی نمی توانست مثل زنان هم کار کنند ولی مثل آنها گریه میکنند کجاست و آن مردان چه اشخاصی هستند بالاخره ما باید بفهمیم وقتی این چیزها در مجلس گفته میشود باید مقصود معلوم بشود من اینجا را اینجا میگویم از برای اینکه اینها مطالبی است که يك رئیس دولتی گفته است رئیس دولت وقتی يك مطالبی گفت باید همه روی آن فکر بکنند و استنتاج بکنند و نتیجه بگیرند باز من این سه موضوع را تکرار میکنم تشکیل کمیسیون

تحقیق از شب مجلس شورای ملی از هر شعبه ای بکنفر لافل برای کارهای راجع بشهرتانی وزندان بروند رسیدگی بکنند (نمایندگان - صحیح است) اگر اشخاصی هستند که در زندان بلاتکلیف میباشند آنها را آزاد کنند و بدی وضع زندان را اینجا بروند ببینند و نواقص آنرا با اطلاع مجلس برسانند که تکمیل شود در این دو قسمت دیگر هم بنده تقاضا دارم که فراکسیونهای مجلس هر قسم نظری که نظر بنده را تأمین میکند راجع بحقوق از دست رفته ما در نفت جنوب حق حاکمیت ما در تمام ایران محفوظ بماند و در این موضوع تصمیم بگیرند بنده را هم اگر میخواهند دعوت بکنند با کمال میل آنچه بنظرم برسد خواهم گفت و باینکه بر علیه یا نه دولت رأی بدهند چون بنده با دولت دیگری هم قراردادی ندارم و من فقط میخواهم این موضوعات درست بشود اهمیتی نمیدهم و اگر این موضوعات درست نشد بنده قانع نشده ام يك موضوع دیگری که بسیار اهمیت دارد (آشتیانی زاده - شلاق را هم گویند) و در برنامه آقای وزیر هم قید شده است راجع باینست که مردم در محله های خودشان کاری بکنند که بیشتر آزادی داشته باشند این عبارت بسیار بسیار خوبست و بنده هم عقیده ام اینست که اصول دموکراسی در يك مملکتی وقتی اجرا میشود که مردم بیشتر در کارهای خودشان دست داشته باشند (صحیح است) البته حکومت مرکزی نمی تواند حوائجی که محلی ها دارند آن حوائج را بطوریکه آنها میفهمند اینجا بفهمند این قبول ولی کشور ما يك وضع خاصی دارد از نظر جغرافیائی بنده با تمام اینکه يك حسن ظن و نظری داشته باشم با این نظر مخالفم چرا ؟ بایستی شما بیاد داشت های ارد کرزن راجع بایران مراجعه کرده باشید آنوقت ملاحظه میکنید که راجع بانجمن های ایالتی ولایاتی که بسیار کار خوبی است و در تمام دنیا بآن عمل میکنند و يك استقلالی در محل بر دم میدهند در ایران چه اشکالاتی دارد و این موضوع را اگر بدقت نگاه کنید دیده میشود که يك توارد خاصی شده است بین این پروگرام آقای وزیر و پروگرام آقای حکیمی و گزارش یکی از نمایندگان در مجلس و نظر ارد کرزن وزیر خارجه انگلیس و نایب السلطنه سابق هندوستان و نظری که راجع به یکی از ایالات ایران خوزستان ابراز کرده است که میخواهند انجام بدهند و يك مطالب دیگری که منظور بوده در یادداشت هائی که ارد کرزن دارد میگویم مردم باید خودشان در امور خود دخالت داشته باشند و هوایند هر محلی باید صرف آن محل خودش بشود مردم باید بیشتر باوضاع محلی خودشان مسلط باشند بالاخره خوزستان يك کمربند مرصمی است که باید آنرا از کمربند ایران باز کرد و دوبار این اقدام را هم انگلستان راجع بایران کرد این نکته ای که بصورت سهل وساده در رویك پروگرامی گذاشته میشود و در مجلس شورای ملی هم باسلام و صلوة گفته میشود که بهتر از این پیشنهاد چیزی نیست نتیجه عمل این خواهد شد که برای ما بیاید يك انجمن های ایالتی و ولایتی درست میکنند و بعداً این عواید ناچیزی هم که در نفت باقی مانده

می بیند که آنها هم بصرف داخلی محلی خواهند رسید باید در این موضوع دقت کرد این نادان فقط توارد نباید دانست باید دقت کرد و مملکت ایران با وضعیت خاص جغرافیائی که دارد باید امنیت را در آن تعیین داد اما اگر ما يك چیزی را برداشتم بی مطالعه راجع بیک موضوع یا يك قانون رأی دادیم در نتیجه این هم توجه تولید يك مزاحمت هائی خواهد کرد و بنده اینها را تذکر میدهم که بیاد داشتهای ارد کرزن راجع بایران و هند ملاحظه بکنند و نتیجه بگیرند که موضوع انجمن های ایالتی و ولایتی چیست و بعد از آن که یادداشت های وزیر خارجه سابق انگلیس را دیدند آنوقت می توانند در این قسمت تأمل نموده بامن همداستان میشوند و بهتر می توانیم باهم صحبت بکنیم این قسمت باید مورد توجه دولت ها قرار گیرد و بنده با این قسمت از پروگرام دولت هم مخالف و فعلاً دیگر مرضی ندارم **رئیس** - آقای عباس مسعودی در جلسه قبل بعنوان ماده ۱۰۹ اجازه خواسته بودند اجازه داده میشود بیاناتشان را بکنند پس از بیانات ایشان هم مجلس ختم خواهد شد و بیانات آقای اردلان میماند برای جلسه بعد چون وقت گذشته است

**مسعودی** - بنده راجع بمطالبی که آقای اسکندری فرمودند عرضی ندارم برای این که جواب ایشان را دولت خواهد داد با اینکه حقاً يك قسمت بیشتر از بیانات ایشان جنبه سخنرانی تبلیغاتی بود و بنده بآن کاری ندارم و البته خود آقای نخست وزیر جواب خواهند داد ولی ایشان در جلسه قبل در دو موضوع اهانتی بنده وارد سکردند یعنی دو نسبت سوء استفاده از ارز به بنده دادند که در حکومت گذشته بنده دوقمره سوء استفاده ارزی کرده ام یکی گفتند که ۳۷ هزار لیره بنده برای کافذ گرفته یکی هم ۳۷ هزار لیره برای شرکت عقاب (رحیمیهان - چرا بسایر روزنامه های دیگر ندادند) الان عرض میکنم در این دو قسمت یکی را اشتباه کردند و یکی را هم دروغ فرمودند آن قسمت اشتباه ایشان منوط است بلبرای که برای کافذ فرمودند زیرا روزنامه اطلاعات احتیاج دارد بواردات کافذ در سال یا نصد تن کافذ مصرف دارد و ما برای یا نصد تن مصرف کافذ همیشه احتیاج داریم بواردات کافذ و باید این مقدار کافذ را تأمین بکنیم در هر موقع با هر نوع مقررات و هر وضعی که کشور داشته باشد ما باید این مقدار کافذ را ناچار تهیه کنیم در سه ماه قبل يك تصویب نامه ای در حکومت آقای حکیم الملک گذشت راجع بمقررات ارزی بوجوب این تصویب نامه قرار شد که نه قلم از اشیاء طرف ضرورت و احتیاج مردم را صدی صد ارز بدهند از جمله دارو و کافذ و قند و شکر و ادوات کشاورزی و غیره که خلاصه نه قلم بود بنده هم البته احتیاج بکافذ داشتم و سایر مطبوعات هم البته کافذ لازم دارند و باید وارد بکنند در حکومت گذشته در حدود صد نفر از مدیران جراید بوجوب این تصویب نامه تقاضای ورود کافذ کردند (رحیمیهان - ولی تمیض قائل شدند بیعضی دادند و بیعضی دیگر ندادند) فرض میکنم در حکومت گذشته در حدود صد نفر از مدیران جراید بوجوب این تصویب نامه تقاضای ورود

کافذ کرده اند که یکی از آنها هم خود بنده بودم که برای مصرف ده سال کافذ ۴۰۳ لیره ارز لازم بود نه برای یکسال این طبق مقررات بود و هیچ تبعیضی هم نبود بمطبوعات هم همین طور میدادند بناجر هم دادند و هیچکس نمی تواند بگوید که بنده حق ندارم از این مقررات استفاده بکنم و باید بروم کافذم را از کافذ فروشی بخرم این در حکومت گذشته بود ولی در حکومت آقای هژیر این موضوع صورت دیگری پیدا کرد یعنی بااستثنای یک قلم قند و شکر بقیه آن چیزهایی که در ردیف کالاهای ارز دولتی بود او را بر حسب تشخیصی که آقای هژیر داد شامل گواهی نامه ارز کردند یعنی این که فرمودند صدی شصت ارز دولتی بدهند صدی چهل گواهی نامه تهیه بشود بنابراین اصل موضوع پروانه هائی هم که صادر شده بود از بین رفت بااین که البته حق این بود که طبق قوانین و مقررات این جریان عطف به اسبق نشود البته بنده تنها وارد کننده کافذ نیستم کاسب بود تاجر بود حق این بود که عطف به اسبق نمیشد ولی خوب ایشان عطف به اسبق کردند و اصل موضوع هم از بین رفت ولی بنده بهیچوجه در مقام این بر نیامدم که بیانی و یا گله ای بکنم و با آقای هژیر عرض بکنم که چرا جریان این طور شد کافذ چیزی است طرف احتیاج و باید تهیه بشود و برای این کار خوب بود ارز دولتی می دادند چه اشکالی داشت در وضع زندگانی هم تأثیر داشت زیرا بنده بهم خودم ناچار اوراق روزنامه را زیاد می کردم وقتی ارز کمتر بدست من می آمد بهر حال این قسمت بکلی منتفی شد و بنده هم در صدد بر نیامدم که این جریان را پیراهن عثمان قرار بدهم و از آقای هژیر تقاضا یا تمنائی بکنم و حال آنکه در همین کابینه گذشته برای یک دستوری که تماس با مالیات زمین های آقای اسکندری پیدا میکرد و چون ایشان صاحب چند میلیون زمین در اطراف طهران هستند و چون این تماس پیدا میشد ایشان دولت را استیضاح میکردند ولی بنده از حق مشروع خود صرف نظر کردم و چیزی نگفتم موضوع دیگر راجع بشرکت عقاب است این بکلی دروغ است بنده بهیچوجه سر و کاری با شرکت عقاب ندارم سهمی ندارم آشنائی ندارم این موضوع بکلی دروغ است و من تعجب میکنم که بچه مناسبت در طی یک بیاناتی که ایشان میکنند نسبت های دروغ و افترا بهمه میزنند و تنها افتخاری که برای بنده هست این است که در زندگی بنده در ظرف ۲۵ سال خدمتگزاری بنده بهیچوجه دنبال سوءاستفاده نبوده و نیستم اگر میخواستم دنبال سوءاستفاده

بروم امروز نمی توانستم با اشخاص امثال شاهزاده، آقای ایشان مبارزه بکنم ولی آقای این افتخار برای بنده هست ولی شما نمیتوانید ادعا بکنید که این نظر را دارید شما الان اینجا در پشت همین تریبون فرمودید که من هیچگونه نظر خصوصی با آقایان وزراء ندارم ولی واقعا اینطور است؟ (عباس اسکندری - بپرسید از شان) یک جریانی است که بالاخره روشن است ولی بنده بهیچ وجه من الوجوه با وزارتخانهها و وزراء هیچگونه کاری ندارم و تماسی ندارم بنده نه قوم و خویش دارم که بخوام توصیه بکنم نه قصد این را دارم که بخوام کسی را وزیر بکنم و وزیر بنتراشم بنده مصلحت مملکت را ترجیح میدهم بمنافع شخصی خودم و این ادعا را ثابت کرده ام در دوره بیست و پنج سال خدمتگزاری خودم اگر حضرت والا واقعا نظر بمصلحت مملکت داشته باشد من بآئید بجای این نزاع ها بجای اینکه واقعا بشخصیت ها اذیت بکنید و افکار را مسوم بکنید چه اهمیت داشت که بجای اینها بی آئید یک کار نیک بکنید بلکه از این تمول و دارائی که دارید چه هیبت داشت یک کار خیری بکنید بنده در این مدت ۲۵ سال یک مؤسسه ای ایجاد کردم که دو سه هزار نفر از آن استفاده میکنند و زندگی میکنند (صحیح است) و ضمناً عرض میکنم که بنده ساعیم را هزار نفر آنچه هست و نیست صرف این مؤسسه میکنم نه صرف تحصیل تمول و ثروت بنده هر چه بتوانم مؤسسه ایجاد میکنم کار ایجاد میکنم اما حضرت والا صد هزار متر از این زمین های طرشت هدیه بدهید برای کارگر برای فقرا ایشان که فرمودند ۳ بار در معرض خطر واقع شده اند سه مرتبه ایشان را میخواسته اند بکشند در حقیقت یک جان سالمی بدر برده اند و حالا فرمودید که مریض هستی و ۶ ماه است که شما را مسوم کرده اند بیائید یک نام نیک بگذارید و صد هزار متر از این زمینهای طرشت را بدهید بشرکت بیمه (عباس اسکندری - بااطلاعات چطور؟) بسیار خوب است اگر بااطلاعات بدهید زیرا برای کارگرها خوب است مجانی بدهید بنده برای کارگرهای خودم خانه میسازم

**نمایندگان - احسن**

**رئیس - آقای دهقان** اخطار دارید؟

**دهقان - آقای عباس اسکندری** خودشان اینجا صحبت کردند و گفتند که این صحبت هائی که میکنند بحث بعدالوت است و مثل این است که چند سال است مرحوم شده اند

بنابراین بحثی بر ایشان نیست تنها اینجا که تشریف می آوردند سعی میکنند که با یک بیانات دور از حقیقتی یک مطالبی را در این جا بگویند آقایان تریبون را نباید وسیله اجرای اغراض خصوصی ارد راجع بشرکت نفت جنوب فرمودند ممکن است بنده منتفع شده باشم ، آقای عباس اسکندری تاریخ مبارزه بنده با شرکت نفت جنوب بسیار روشن است مطالبی که بنده در طهران مصور نوشتم و ایراداتی که بشرکت نفت جنوب داشتم و هنوز هم دارم اینها یک چیزهایی نیست که بیان خالی باشد اینها یک چیز هائی است که بنده نوشته ام هست و حتی کار ما بعدا که کشید اگر خبر ندارید شش ماه هم روزنامه من توقیف بود و نوشته های من در تمام دنیا مورد استفاده قرار گرفت راجع بهملی که کمیانی درباره کارگران ایرانی میکنند و حتی که از ایران در نفت جنوب نفوت و تضییع میشود اگر بنده آقای عباس اسکندری میخواستم منتفع شوم از اول زندگی این کار را میکردم و در تحویل تریاک نیاوردم ۳۸۰ تومان دزدی میکردم بعد مرحوم سلیمان میرزا می آمد ضامن من میشد در ۱۲۹۸ و از من ماهی ده تومان کم میکردند هفت ، هشت ماه میدادم بقیه اش را هم میخوردم یا در کتاب آقا بیک اف جاسوس معروف روسی اسم من هم برده میشد روی من هم نمره می گذاشتند ، بنده اگر آقای اسکندری با شرکت نفت جنوب مبارزه میکردم نه برای استفاده و نه برای این که بیایم این جا و یک حرفهائی را بزنم و رأی مجلس شورای ملی را برای تصویب این حرفهائی من غیر حق بدست بیارم . شما میخواستید در اینجا یک حقایقی را در لفافه از بین ببرید و یک مطالبی که ملت ایران و مجلس قبول ندارد در لفافه تزیین کنید و بگردن ملت ایران بگذارید این مبارزه نیست این خیانت است .

**۴ - موقع ودستور جلسه بعد -**

**ختم جلسه**

**رئیس - جلسه بعنوان تنفس ختم میشود جلسه فردا ساعت هشت و نیم صبح بقیه استیضاح (نیمساعت بعد از ظهر جلسه بعنوان تنفس ختم شد)**